

بدنه جامعه اسلامی هم مصرف کننده قابل توجه این مضمون و محتوا خواهند بود تا بتوانند با نظام اسلامی همراهی کنند.

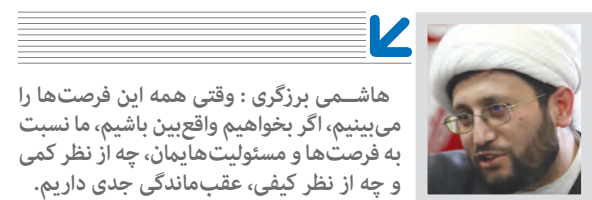
نیازهای سخت افزاری هم ناظر به صورت و اجرای آن محتوا هستند؛ یعنی ارکان اجرایی نظام اسلامی که بدون حضور عالمان دینی قابل اجرا نیست، نظیر بعضی جایگاه های حساس نظام نظیر رهبری، ریاست فقه قضائیه و شورای نگهبان تا نهادهای عقیدتی، نمایندگان ولی فقیه و مربیان دینی مراکز آموزشی. یعنی مسئله فقط تولید علم و محتوا نیست؛ بلکه مشارکت در اجرا و پیاده سازی نیز مدنظر است. بنابراین خیلی مهم است که طلبه به این نکته توجه داشته باشد که امروز نظام به هر دو قست نیاز دارد و در عین حال قرار نیست در آن واحد به هر دو بخش پاسخ دهد؛ پس باید نسبت به این فرصت تاریخی که در اختیار حوزه های علمیه قرار گرفته، آینده خود را انتخاب کنند و همین نکته، مسیر طلبگی را متفاوت خواهد کرد.

من معتقدم کارکردها و وظایف نهاد روحانیت، در سه حوزه استنباط، تبیین و اجرای دین تعریف می شود. استنباط، خود در دو حوزه بنیادین (مباحث کلان کلامی، فقهی و اخلاقی) و کاربردی (عرصه های مختلف زیست انسانی) انجام می شود که هر یک نیاز به متخصص دارد و نباید همه طلاب را به سمت یکی از این عرصه ها هدایت کرد. کارکرد تبیینی در دو بخش تخصصی (تدریس حوزوی) و عمومی انجام می شود. کارکرد اجرا هم در دو بخش مناصب دینی (مثل رهبری و دستگاه قضائی) و مناصب مرتبط با معارف دینی (آموزشی، فرهنگی، هنری و غیره) تقسیم بندی می شود.

طلبه پس از چند سال گذراندن دروس حوزوی و دستیابی نسبی به پختگی در معلومات حوزوی، که این مرحله به نظر من از سطح دوم حوزه آغاز می شود، باید آینده کاری خود را تعریف کند.

مرکز مدیریت حوزه نمی تواند و نباید خود را نسبت به خروجی های حوزه و شبکه های خدمات دهی طلاب به جامعه، برکنار ببیند. مدیریت حوزه بر اساس یک تحلیل آماری کامل، جامع و قابل دفاع، باید به این جمع بندی برسد که نیروهای مناسب برای عرصه های مختلف را شناسایی و در هر یک از عرصه ها نیز اولویت ها را مشخص کند.

البته این به معنای تصمیم گیری برای طلاب نیست؛ بلکه می تواند بر اساس این جمع بندی، راهنمایی و بستر سازی کند. باید تحلیلی از شرایط نظام و حوزه داشته باشیم تا اولویت ها را تعریف و ناظر



هاشمی برزگری: وقتی همه این فرصت ها را می بینیم، اگر بخواهیم واقع بین باشیم، ما نسبت به فرصت ها و مسئولیت هایمان، چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، عقب ماندگی جدی داریم.

بحث قرار می گیرد. بنابراین بسیاری از شاخصه های حوزه سنتی باید احیاء شود و البته روش های جدید را که نقش پیش برنده دارند، باید با روحیات حوزه قدیم آمیخت.

به نظر من اولین وظیفه حوزه، کادر سازی برای نظام است. در تقنین، اجرا و قضاوت، به تربیت نیرو برای جایگاه های مختلف نظام نیاز داریم. حوزه علمیه می تواند حداقل برای جایگاه های دینی و فرهنگی، مثل صداوسیما و وزارت ارشاد، نیروی اجرایی تربیت کند. نیروهای بسیاری در حوزه علمیه وجود دارند که مدتی در حوزه بوده اند و امروز دانسته ها و استعدادها و وقت شان به هدر می رود؛ چون مدیریت مؤثری در این فضا وجود نداشته است، کارایی لازم را ندارند. برای این کادر سازی، به بستر سازی نیاز داریم که برای مدیران، تصمیم سازی کنند.

کیفیت ورود طلاب به عرصه های سیاسی اجتماعی باید چگونه باشد و چه زمینه هایی برای فعالیت آن ها در این عرصه ها وجود دارد؟

الهی: بعضی از نقش ها و کارکردها به گونه ای است که طلبه از سال های ابتدای تحصیل و ترجیحا چند سال پس از ورود به طلبگی، می تواند ورود پیدا کند. اما بعضی نقش ها نیز مستلزم گذران میزان قابل توجهی از دوره تحصیل و رسیدن به بالندگی علمی است.

حوزه تبیین تخصصی برای پایه های اولیه حوزوی، یعنی تدریس دروس گذشته، زمینه ای است برای تمرین مهارت های تبیینی؛ چه برای حوزه های تخصصی بالاتر و چه برای حوزه های عمومی. در عرصه تبیین عمومی هم زمینه های مساعدی برای ورود طلاب جوان وجود دارد؛ عرصه هایی چون امامت جماعت در مساجد و مدارس، سخنرانی در جلسات محدود مذهبی، تدریس برای نوجوانان در کانون ها و مؤسسات فرهنگی و تجربیاتی از این قبیل.

اما بسیاری حوزه های دیگر، متوقف بر بالندگی نسبی طلبه در حوزه علمیه است که البته در موضوعات مختلف متفاوت است. برخی متوقف بر اجتهاد است که از جمله آن، مناصب عالی اجرایی و نیز عرصه استنباط بنیادین و کاربردی است. اما سایر کارکردها، نظیر حوزه های تبلیغ عمومی و مناصب اجرایی مرتبط با فرهنگ دینی، با تخصص نسبی در علوم و معارف اسلامی قابل دسترسی است. یعنی بسیاری از کارکردها با دین شناسی نسبی، که لزوما به معنای برخورداری از اجتهاد نیست، با حدود هفت تا ده سال تحصیل می تواند به دست آید. البته باید تأکید کرد که این تسلط نسبی و کیفیت آن بسیار حائز اهمیت است.

بنابراین بسیاری از مباحث تخصصی حوزه برای همه طلاب قابل استفاده نخواهد بود؛ طلبه ای که قرار است وارد مناصب تبیینی یا اجرایی عمومی شود، لزومی ندارد که سال ها در دروس خارج شرکت کند و مباحث تخصصی فقه و اصول و فلسفه را بگذراند و نباید طلبه ای که غایتش تبلیغ دانش آموزی است را معطل کنیم. این ها مستلزم تحولات بنیادین در برنامه ریزی های آموزشی حوزه خواهد بود. مدیریت حوزه بر اساس مصاحبه و سوابق تحصیلی و علمی هر طلبه، باید توانایی ها و گرایش های او را تشخیص دهد و زمینه را برای ورود کارآمد او به هر عرصه آماده کند.

کاظمی: ما باید تصمیم سازی در حوزه داشته باشیم که نیازها و اولویت های جامعه را رصد کنند و از سوی دیگر ورودی ها و خروجی های حوزه را نیز در نظر داشته باشند. به نظر من چنین کارگروهی می تواند سازوکارهایی